

مطالب جالب و مهم در باره : کتاب حاجی بابا

و شرح حال مؤلف و موجبات وجه تسمیه آن و عللی که منجر به تألیف کتاب گردیده
بما رجعه به کتب متعدد و اسناد سیاسی دولت انگلستان و نسخه خطی سفر نامه
موجود در بریتیش موزیوم لندن

کتاب حاجی بابا اصفهانی که تا کنون یکصد و چهل سال از چاپ اول آن
(۱۸۲۴ میلادی) می گذرد متجاوز از سی بار به انگلیسی تجدید چاپ شده است و در
بیشتر چاپهایی که تجدید گردیده مقدمه بوسیله مستشرقین و مطلعین معروف انگلیسی
و آمریکائی به اصل کتاب افزوده شده و نظر های مختلفی درباره مطالب آن ابراز
گردیده است چنانکه در چاپ سال ۱۸۹۵ میلادی دیباچه مفصلی بوسیله ادوارد
براون تهیه گردیده و در چاپ ۱۸۹۷ که با اهتمام دکتر ویلس طبیب اداره تلگراف
هندواروپ در ایران Dr. C.J. wills انتشار یافته MAJOR - Geueral Sir
F.J. Goldsmid سرفردزیک گولداسمید مدیر کل اداره تلگراف هندواروپ و
مأمور مخصوص دولت انگلستان برای رسیدگی به امور سرحدی ایران مطالب بسیار
جالبی در خارج از متن کتاب بر آن اضافه نموده و نیز در چاپ ۱۸۹۵ دیباچه مفصلی
بوسیله جورج کرزن George Curzon نماینده مجلس عوام انگلستان بطور
مشروح بصورت مقدمه مطالبی اظهار شده است .

مهم‌ها هنوز هم این جریان بغلط مورد بحث است که آیا در واقع تمام کتاب حاجی بابا را خود جیمس موریر به انگلیسی نوشته است یا اینکه کسان دیگری نیز در آن شرکت داشته‌اند. حتی بعضی از ایرانیان که در سال ۱۹۰۵ اولین ترجمه آنرا بفارسی دیدند نظر به اینکه در ترجمه آن حداکثر مهارت به خرج داده شده است تصور کردند اصل آن کتاب همان بوده که بفارسی نوشته شده و موریر آنرا از نسخه فارسی به زبان انگلیسی ترجمه نموده است. در مقدمه کتاب

The Press and Poetry of Modern Persia (Cambridge University Press)

«مطبوعات و شعر ایران نوین» مرحوم ادوارد براون در صفحه ۲۲ چنین نوشته است: «ما باید هم چنین در میان کتابهایی که در بیداری ایران موثر بوده است ترجمه فارسی حاجی بابا را که بوسیله جیمس موریر نوشته شده و بوسیله شیخ احمد روحی کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی ترجمه شده است در نظر بیاوریم»

و نیز در صفحه ۱۶۰ همان کتاب در جزو صورت کتابهایی که از زبانهای خارجی بفارسی ترجمه شده است براون می نویسد:

«یکی از ایرانیان مطلع و تحصیل کرده که بامن درباره مطالب ادبی تا این اواخر مکاتبه داشته و در یکی از نامه هایش که کمی بیش از دو سال پیش (۱۸۹۳) برای من فرستاده چنین نوشته است: «نویسنده فاضل میرزا حبیب اصفهانی کتاب حاجی بابا را از فرانسه عیناً بفارسی با طرز بسیار ادیبانه ترجمه نموده است مخصوصاً توجه و دقت زیادی بخرج داده که خواص مخصوص اصطلاحات عامیانه و محلی مردمان اصفهان و سایر شهرهای ایران را به نحوی که در میان مردم عادی هر شهری رواج است کاملاً حفظ و رعایت نماید و در آن کتاب عادات و اخلاق ایرانیان را بطور زنده نشان داده است آرزوی او این بود که آن کتاب در اسلامبول چاپ شود ولی سانسور مطبوعات اجازه آنرا نداده است شما خواسته باشید من يك نسخه از آن کتاب را برای شما خواهم فرستاد در صورتیکه موفق به طبع آن در لندن بشوید آن کتاب در ایران مشتری و خواننده زیادی پیدا خواهد کرد و میرزا حبیب کلیه حقوق آنرا حاضر است

بشما واگذار نماید» براون در این باره در آن کتاب دیگر چیزی ننوشته است.

مرحوم میرزا حبیب اصفهانی یکی از ادبای درجه اول زمان خود بوده و زبانهای فرانسه عربی و ترکی عثمانی را خوب میدانست و در سال ۱۳۰۶ قمری یکی از اعضاء برجسته انجمن معارف و دولت عثمانی بوده است کتاب «دستور سخن» را با اهتمام حسنعلی خان امیر نظام تألیف نموده و آثار جالب دیگری نیز از خود باقی گذاشته است نویسنده و فاضل جلیل القدر جناب آقای محمدعلی جمالزاده دریکی از نامه‌هایی که برای نگارنده مرقوم داشته‌اند چنین فرموده‌اند: «در خصوص ترجمه حاجی بابا چنانکه شاید بدانید سالیان دراز است که مشغول تحقیق و تفحص هستم و همیشه معتقد بوده و هستم اولاً نویسنده کتاب خود موریر است نه کس دیگری و برای اثبات این ادعا البته دلایلی هم دارم ثانیاً مترجم میرزا حبیب اصفهانی است نه شیخ احمد روحی و برای این مطلب هم دلایلی جمع کرده‌ام نسخه اصلی ترجمه فارسی حاجی بابا با مقدمه بقلم خود میرزا حبیب دریکی از کتابخانه‌های استانبول موجود است و به اهتمام دانشمند معظم استاد مجتبی مینوی میکروفیلم آن را بطهران فرستادم و در کتابخانه دانشگاه یادانشکده ادبیات و یا کتابخانه دیگری - (فعلاً درست نمیدانم با مراجعه به اوراقم بسهولت میتوانم پیدا کنم) موجود است و من از مقدمه‌ای که بقلم میرزا حبیب است سواد می‌دهم برداشته‌ام موجود است بنده از ترجمه فارسی میرزا حبیب که از شاهکارهای نثر فارسی این دوره‌های اخیر است تهنیتی حاضر ساختم یعنی تجدید نظری در آن نمودم و تمام کتاب را از سر تا سر حتی مقدمه خود کتاب را بقلم موریر از نو به خط خود نوشتم و بتهران فرستادم»

این بود قسمتی از مرقومه جناب آقای جمالزاده که اخیراً برای بنده مرقوم فرموده‌اند در این جلالاًزم میدانم از اقدامات و خدمات بسیار گرانبها و پر ارزش دانشمند محترم استاد مجتبی مینوی که در چندین موارد مهم فرهنگی ایران مبذول فرموده‌اند و خودم شخصاً شاهد قسمتی از آن‌ها در آنکارا و در لندن بودم یادآور شده و موفقیت آن جناب را از درگاه خداوند متعال خواستار شوم.

باری چون کتاب حاجی بابا با در نظر گرفتن اینکه خالی از بدبینی نبوده و در

واقع نماینده و معرف اخلاق عموم طبقات مردم ایران نمیباشد طوری تنظیم گردیده که اخلاق و عادات و طرز فکر و گفتار و رفتار و مخصوصاً بعضی از اصطلاحات عامیانه ایرانیان و رسوم روزانه مردم آن سرزمین بطور زنده مجسم شده است و نظیر آن در میان کتبی که در آن زمینه راجع به مردمان سایر کشورها نوشته شده کمتر یافت میشود و از یک فرد خارجی درباره خصوصیات اهالی کشوری که از لحاظ نژاد، مذهب، زبان و سنن مابینت کامل با آنچه که خودش داشته بعید بنظر میرسد که تا این حدود ابتکار و مهارت بخرج داده و چنین مطالبی را بنویسد که پس از یکصد و چهل سال هر مأمور سیاسی که از جانب دولت انگلیس و ایالات متحده امریکا برای انجام مأموریتی بایران می آید بوسیله وزارت امور خارجه آنان قبل از هر گونه اطلاعات یک نسخه از کتاب حاجی بابا را در اختیار او می گذارند تا اینکه احتیاج زیادی بتجربیات بعدی پیدا نکنند دکتر ویلس Dr. C. J. wills که در بالا با اشاره شد در صفحه ۳ کتاب (در

سرزمین شیر و خورشید یا ایران جدید) In the Land of the Lion and sun or Modern persia که در سال ۱۸۸۳ در شهر کلاسکو به چاپ رسیده چنین مینویسد: «فی الواقع کلنل گک... زحمت زیادی کشید تا اینکه مرا باوضاع ایران آشنا نماید موقعی که مرا به ناهار برد یک جلد کتاب حاجی بابای موریر را برای من خرید و اظهار داشت وقتی که آنرا خواندید اطلاعات شما درباره ایران و ایرانیان بیشتر از آن خواهد بود که اگر شما بیست سال با چشم و گوش باز آنجا زندگی می کردید از آن زمان خیلی گذشته است حالا هفده سال است که در ایران هستم و من حاجی بابا را آنموقع خواندم ولی هنوز هم باید چیزهای تازه ای از آن یاد بگیرم ایران در حال حاضر هم همان است که در زمان موریر بوده گر چه روه اضمحلال رفته ولی کمتر تغییری در آن حاصل شده است.»

ای کاش نویسنده حالازنده و در ایران میبود و میدید که در اثر آمیزش ایرانیان با ملل دیگر و مخصوصاً پس از آشنائی رجال ایران در دوره قاجاریه به ذایل اخلاقی مردمان پاریس و در حال حاضر بادیدن فیلم های عشقی و پلیسی انگلیسی و آمریکائی تا چه حدود دروغ، فساد، تزویر، شیادی، دورویی و بی صفتی در میان مردم صافدل

و درست و وفادار و مهمان نواز ایران رواج پیدا کرده است و اگر رجال آن زمان بیک توپ پارچه ماهوت انگلیسی و یک ساعت طلا و یک تفنگ شکاری بند بودند حالا به ملیونها تومان قانع نیستند و حتی شاخص میزان اختلاس و سود استفاده آنان دیگر از تومان بد دلار آمریکائی و از دلار به لیره انگلیسی تعیین می شود و اگر در آن موقع یکی دو تا مراکز شرب و قمار و یافساد در کوچه پس کوچه ها وجود داشت کاملاً مجرمانه بود و معتادین بکلی از جامعه مردود می شدند حالا کار بجائی رسیده است که هر گاه کسی دم از درستی و صداقت و فضایل اخلاقی بزند او را مسخره کرده و در هیچ جا راه نمی دهند.

باری حتی بعضی از نویسندگان معروف عقیده دارند که مندرجات کتاب حاجی بابا با اوضاع و احوال زمان ساسانیان نیز وفق می دهد چنانکه مستشرق معروف پروفیسور نولد که در مقدمه کتاب کلاسیک خود «تاریخ ساسانیان» نوشته است: «از کتاب حاجی بابا شخص می تواند خیلی مطالب در باره اوضاع قدیم ایران بدست بیاورد.»

اینک نگارنده این سطور برای تأیید گفته های پروفیسور من بور نظر خوانندگان را بمطالبی که در مقدمه کتاب کلیده و دمنه نوشته شده و اوضاع ایران را در دوره سلطنت انوشیروان عادل در زمان ساسانیان نشان می دهد عیناً جلب می نماید:

« خاصه در این روزگار تیره که خیرات بر اطلاق روی به تراجع نهاده است و همت مردمان از تقدیم حساب قاصر گشته با آنچه ملک عادل انوشیروان کسری ابن قباد را سعادت ذات و یمن نقبت و رجاحت عقل و ثبات رای و علوهمت و کمال مقدرت و صدق مهجت و شمول عدل و رافت افاضت جو دو سخاوت و اشاعت حلم و محبت علم و علماء و اختیار حکمت و اصطناع حکماء و مالیدن جباران و تربیت خدمتکاران و قلع ظالمان و تقویت مظلومان حاصل است:

می بینم که کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کردستی و افعال ستوده و اقوال پستدیده مدروس گشته و راه راست بسته و طریق ضلالت گشاده و عدل ناپیدا و جور ظاهر و علم متروک و جهل مطلوب و لوم و

دنائت مستولی و کرم و مروت متواری و دوستیها ضعیف و عداوتها قوی و نیکمردان رنجور و مستذل و شیران فارغ و محترم و مکر و خدیعت بیدار و فواحریت در خواب و دروغ مؤثر و ثمروراستی مهجور و مردود و حق منہزم و باطل مظفر و متابعت هواسنتی متبوع و ضایع گردانیدن حکام فرد طریقتی مشروع و مظلوم محق ذلیل و ظالم مبطل عزیز و حرص غالب و قناعت مغلوب و عالم غدار زاهد مکار»

این مطالب را کریستنسن متشرق معروف دانمارکی در کتاب « ساسانیان » خود عیناً بفرانسه نقل کرده است.

بهر حال گرچه جمیس موریر از خود حاجی بابا یعنی قهرمان کتاب که در واقع می بایستی خود او سمبول و نماینده اخلاق و روحیه ایرانیان باشد بدتعریف نکرده و در اغلب موارد درستی و امانت و وفاداری او را نشان داده است ولی بطور کلی خواننده در کتاب حاجی بابا نباید در جستجوی نکات برجسته و شریف اخلاق ملی ایرانیان بر آید.

جمیس موریر James morier از خانواده Huguenots هوگینیو یعنی پروتستانهای فرانسه بوده که در اوایل قرن شانزدهم محکوم بقتل عام گردیدند و وعده از آنها بعداً در زمان سلطنت لوی چهاردهم مجبور شدند. از خاک فرانسه خارج شوند عده از آنان بآلمان و بعضی از آنها بسویس فرار نمودند افراد خانواده هوگینو در سال ۱۶۸۵ بسویس مهاجرت کردند وعده از آنان بعداً به ازمیر رفته و مشغول تجارت شدند یکی از آنان بنام اسحق issac که پدر جمیس موریر باشد در سال ۱۷۵۰ میلادی در ازمیر متولد و در ۲۵ سالگی با مادموازل clora Vanienne کلارا وانله نپ دختر ژنرال قونسول هلند ازدواج کرد و از آن خانم چهارپسر پیدا نمود که جمیس موریر نویسنده کتاب حاجی بابا پسر دوم اومی باشد.

اسحق موریر بعداً بانگلستان رفت و به تبعیت آن دولت در آمد و پسرانش را به مدرسه معروف Harrow که در سال ۱۵۷۱ تأسیس گردیده است فرستاد (این مدرسه بسیار مشهور و نزدیک لندن است شاگردان آنجا بدون چون و چرا پس از اتمام مدرسه یکسری به دانشگاه اکسفورد میروند و سر و نیستون چرچیل نیز در آنجا تحصیل نموده است) ولی طولی نکشید که اسحق موریر ثروت خود

را از دست داد و مجبور شد مجدداً به شرق برگردد در سال ۱۸۰۴ ناچار گردید تجارت را ترك نماید و وارد خدمت کمپانی لوانت بشود تا اینکه پس از دو سال خدمت در این کمپانی رسماً جزو کادر وزارت خارجه انگلستان در آمد و قونسول دولت شاهنشاهی انگلستان در اسلامبول شد.

خود جمیس موریر در حدود سال ۱۷۸۰ در از میر بدینا آمد و چنانچه گفته شد تحصیلاتش را در مدرسه هر و و تمام کرد و در اوایل سال ۱۸۰۷ به اسلامبول نزد پدرش رفت و در همان سال وارد خدمت سیاسی دولت انگلستان گردید و در ۲۷ اکتبر همان سال با کشتی Sapphire متعلق به دولت انگلستان بسمت منشی مخصوص در معیت سرهارفورد جونز Sir Harford Jones سفیر و ایلچی تام الاختیار دولت انگلیس از بندر پورتسموت از طریق ماویرا و دماغه امید بسوی ایران حرکت کرد و در ۲۶ آپریل ۱۸۰۸ به بندر بمبئی رسید در آنجا لرد مینتو Minto فرمانفرمای کل هندوستان نظربه توصیه سر جان مالکوم Sir John Malcolm که در آن موقع در بوشهر بود دستور داد این گروه سیاسی در بمبئی متوقف شوند تا نتیجه ماموریت ملکوم معلوم گردد موریر و این هیئت در آنجا پنج ماه معطل شدند تا اینکه برخلاف نظر لرد مینتو بمبئی را ترك و در ۱۳ اکتوبر ۱۸۰۸ یعنی تقریباً یکسال پس از حرکت از انگلستان وارد بوشهر گردیدند. در آن شهر که آن موقع کوچک و شهر غیر جالبی بود مدتی ماندند تا اینکه در ۶ دسامبر دستور رسید که بتهران بروند لذا در ۱۷ دسامبر همانسان در معیت محمد زکی خان که از شخصیت‌های مهم دربار ایران بود بسوی پایتخت ایران عزیمت نمودند علاوه بر سرهارفورد جونز و موریر ۵ نفر کارشناس جنگی و سیاسی انگلیس و ۵ نفر نوکر اروپائی عبارت از دو انگلیسی دوسویسی و یک پرتغالی جزو این گروه سیاسی بودند.

موریر و همراهان آخر دسامبر به شیراز رسیدند و پس از دیدار خرابه‌های شاپور روز ۱۳ ژانویه ۱۸۰۹ شیراز را ترك و در ۳۱ ژانویه به اصفهان رسیدند بعد از یک هفته اقامت در اصفهان در ۱۴ فوریه ۱۸۰۹ وارد تهران شدند ولی موریر پس از سه ماه توقف در تهران در معیت ابوالحسن خان ایلچی مخصوص ایران به دربار

انگلستان در روز هفتم مای ۱۸۰۹ بسوی انگلستان حرکت و از راه تبریز - ارزته الروم و آماسیاد ۱۸ ژوئیه ۱۸۰۹ وارد اسلامبول شد و در ۷ دسامبر همان سال باتفاق ایلچی مخصوص ایران از ازمیر بسوی انگلستان عزیمت و بالاخره در ۲۵ نوامبر ۱۸۰۹ با کشتی متعلق به دولت انگلستان بنام فورمیدابل Formidable به آن کشور وارد شد.

مدت توقف موریر در لندن زیاد نبود و پس از ۸ ماه اقامت در انگلستان در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۸۱۰ مجدداً برای بار دوم همراه سر گوراوزلی Sir Gore Ouseley سفیر فوق العاده انگلستان و میرزا ابوالحق خان و همراهان وی به ایران مراجعت نمود. اعضاء هیئت سیاسی انگلیسی عبارت بود از سر گور اوزلی و خانم و فرزندش و برادرش سر ویلیام اوزلی رابرت گوردون Robert Gordon و موریر و دو منشی دیگر سه نوکر دو کلفت که همه انگلیسی بودند سفیر ایران در انگلستان هفت نفر همراه خود داشت این میسیون سیاسی تا سال ۱۸۱۴ در ایران ماندند و پس از مراجعت سر گوراوزلی به انگلستان موریر عهده دار سفارت در ایران گردید.

خود موریر یکسال بعد یعنی تقریباً پس از شش سال جمعاً اقامت در ایران بنا به دستور دولت انگلستان ایران را ترک و در ۱۷ دسامبر ۱۸۱۶ از راه خشکی به اسلامبول رفت و در آنجا مدتی در میان خانواده اش بود در آن موقع پدرش در اسلامبول قونسول بود و برادر کوچک وی David داودمنشی سفارت انگلیس در اسلامبول بود و برادر بزرگتر وی بنام جان John در همان موقع ژنرال قونسول دولت انگلیس در آلبانی بود شرح حال مسافرت او در سفر دوم انتشار یافت بالاخره پس از ده سال یعنی در سال ۱۸۲۴ نتایج تجربیات و مطالعات او در ایران بشکل يك رمان غیر قابل تقلید و جاویدان ظاهر گردید بین سالهای ۱۸۲۴ و ۱۸۲۶ از طرف دولت انگلستان برای انجام ماموریتی که تقریباً سیاسی بود به کشور مکزیک رفت تا اینکه بعداً بکلی از انجام ماموریت های سیاسی فراغت حاصل نمود و در سال ۱۸۴۹ در شهر برایتون Brighton در گذشت پس از گذشت پس از مرگ وی چند نفر از افراد خانواده وی در خدمت سیاسی دولت انگلستان باقی ماندند برادر زاده او سر رابرت موریر Sir Robert morier در سال ۱۸۹۳ موقعیکه سفیر کبیر دولت انگلیس در سنت پترزبورغ بود وفات یافت